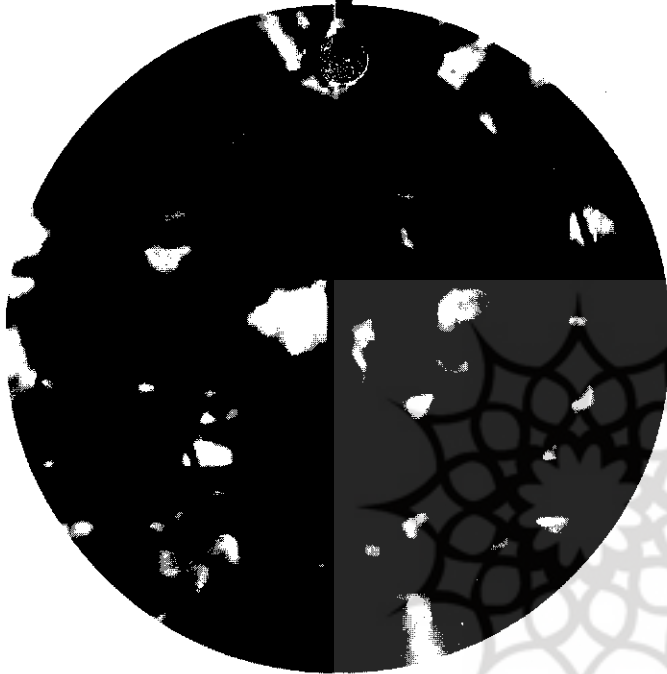


اساسی ایران

در حقوق

شهر وندی

شهر وندی



دکتر ممد رضا بندرپی

(استادیار دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری)

قسمت پایانی

انسان سلب کند یادر خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد...».
در حقوق اساسی از این قاعده به "حق حاکمیت ملت" تعبیر می شود.

۲- مساوات در برخورداری از حقوق
مطابق اصل نوزدهم: « مردم ایران از هر قوم و قبیله ای باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها، سبب امتیاز نخواهد بود.»

بنابراین، آپارتاید یا تبعیض در حقوق بر مبنای نژاد و قومیت و زبان، نفی شده است و ملاک استفاده از حق، "انسانیت" است؛ چنان که در ماده (۹۵۶) قانونی مدنی نیز ذکر شده است: « اهلیت برای دارا بودن حقوق با

اعمال می شود.
بدین ترتیب، همه امور کشور چه از طریق رأی مستقیم و چه از راه غیر مستقیم، به اراده ملت بستگی دارد و حق وی در این مورد استثنای پذیر نیست؛ پس نمی توان به هیچ روشی این حق مردم را محدود کرد و تقیید و محدودیت آن، صراحتاً با مبنای حکومت اسلامی مندرج در بند "۶" اصل دوم و اصل پنجاه و ششم قانون اساسی در تعارض است. بدین لحاظ است که در اصل پنجاه و ششم آمده است: « حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از

یکی از حقوق مورد بحث در علم حقوق، حقوق شهر وندی است که در آن از مجموعه حقوقی که شهر وندان یک کشور دارند و دولت موظف به رعایت آنهاست، بحث می شود. در ذیل، این حقوق به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد.

۱- حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت

در حقوق اساسی ایران به تصریح اصل ششم قانون اساسی، امور کشور باید از طریق «... از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر آنها از راه همه پرسی...»



زنده متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود» و در ماده (۹۵۸) هم آمده است: «هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود...».

۳- حق مساوات در حمایت شدن از طرف قانون

بر اساس اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» به نظر می‌رسد، منظور از مردم ایران، مندرج در اصل نوزدهم، کلیه افرادی اند که در محدوده کشور ایران زندگی کرده یا تابعیت ایران را دارا هستند؛ پس دامنه شمول آن به خارجیان نیز تسری دارد. ولی منظور از افراد ملت، مندرج در اصل بیستم، افراد ایرانی می‌باشند؛ چرا که خارجیان از بعضی از حقوق مندرج در قانون مثل ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، حق رأی دادن و مانند اینها محرومند. از طرفی دیگر، در انتهای اصل بیستم، این تساوی حقوق مقید به رعایت موازین اسلام شده است و منظور آن، رعایت قوانین مسلم فقهی در چگونگی تساوی حقوق انسانها اعم از مسلمان و غیر مسلمان وزن و مرد می‌باشد؛ چرا که در بعضی موارد که در قوانین عادی درج شده، غیر مسلمان در حالت تساوی با مسلمانان قرار ندارند (مثل قتل عمدی غیر مسلمان به دست مسلمان) و یا اینکه در اموری مثل ارث، سهم دختر، نصف سهم پسر است، یا اینکه دیه زن نصف دیه مردان می‌باشد؛ ولی از این قید مختصر که بگذریم، عموم و اطلاق اصل بیستم شامل همه افراد ملت خواهد بود.

۴- حق امنیت

هر انسانی حق دارد در هر جا که زندگی می‌کند از امنیت کافی برخوردار باشد؛ چرا که بدون وجود امنیت جانی و مالی و غیره، شکوفایی و رشد استعداد های انسانی ممکن نیست و یکی از نعمت های مهم الهی، همین امنیت

است؛ چنانچه در سخنی منسوب به حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «نعمتان مجهولتان، الصحة و الامان: دو نعمت است که قدرشان شناخته نشده و آن دو عبارتند از سلامتی و امنیت.» به همین علت در اصل بیست و دوم ذکر شده: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

البته قید این که «مگر در مواردی که قانون تجویز کند» بدین معنا نیست که قانونگذار حق دارد در هر موردی محدوده اصل بیست و دوم را نقض کند و امنیت شهروندان را به مخاطره اندازد؛ بلکه همان گونه که قبلاً هم ذکر شد، در تفسیر امور استثنایی باید به قدر متیقن عمل نمود و در این بحث باید گفت گاهی اوقات به دلیل وجود مصلحتی بالاتر، به حیطة اصل بیست و دوم تجاوز می‌شود و آن مصلحت، چیزی جز رعایت مصالح عمومی نیست. مثلاً اگر قاتلی فرار کرده و در منزلی پنهان شده باشد، راهی جز ورود به عین مأمور دولت به آن منزل و دستگیری قاتل نیست؛ ولی این استثنائات باید اولاً: به حکم قانون،

یعنی رأی ملت باشد. ثانیاً: به حکم دادگاه و با نظارت مراجع صالح قانونی صورت گیرد. تار عایت مصالح عمومی موجب نشود به محدوده امنیت خصوصی مردم خللی وارد شود.

از متفرعات حق، برخورداری از امنیت، مصون بودن نامه ها و مکالمات تلفنی و مخابرات تلگرافی و فاکس مردم از هرگونه سانسور، عدم مخابره، نرساندن به مقصد و استراق سمع می‌باشد. پس هیچ مقامی جز مواردی که قانون دقیقاً مشخص کرده و در ماده (۵۸۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذکر شده، حق ندارد به بازرسی نامه های مردم یا ضبط مکالمات تلفنی و استراق سمع آنها یا کنترل فاکس و امثال آن پرداخته یا آنها را به مقصد نرساند، یا دستوری در این زمینه صادر کند؛ و به طور کلی، ارتکاب این گونه امور طبق اصل بیست و پنجم قانون اساسی ممنوع بوده و اصولاً در این اصل قانونگذار، مطلق تجسس در امور دیگران را (جز مواردی که قانون مجاز دانسته و برای رعایت مصلحت برتر است) ممنوع کرده است.

✓ هیچ مقامی جز مواردی که قانون دقیقاً مشخص کرده و در ماده (۵۸۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذکر شده، حق ندارد به بازرسی نامه های مردم یا ضبط مکالمات تلفنی و استراق سمع آنها یا کنترل فاکس و امثال آن پرداخته یا آنها را به مقصد نرساند، یا دستوری در این زمینه صادر کند؛

خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» یعنی در امر تحصیلات عالی، دولت اجبار به برقراری تحصیل رایگان برای همه افراد کشور ندارد، بلکه وظیفه او تا حدی است که نیازهای کشور برطرف شود؛ در حالی که در تحصیلات متوسطه، دولت مکلف است این موقعیت را برای همه اتباع ایران فراهم سازد که بتوانند تا پایان دوره متوسطه تحصیلات خود را به طور رایگان انجام دهند.

۸- حق برخورداری از مسکن و سرپناه

مسکن، ضروری ترین نیاز انسان است و بدون آن، زندگی دشوار و یا ناممکن خواهد بود. از نظر اصلی و سوم: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائین و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.» با دقت در این اصل، به دست می آید که حق برخورداری از مسکن متناسب، خاص شهروندان ایرانی است؛ ولی این امر منافات با این ندارد که اگر دولت قادر است، به رفع نیازمندیهای خارجیانی فاقد مسکن هم پردازد. نکته دیگر اینکه، روستائین و کارگران در این زمینه از اولویت برخوردارند.

۹- حق دادخواهی

دستگیری از ستم دیده نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه روشی انسانی هم هست و اصولاً فطرت بشری اقتضا دارد که اگر به کسی ستم شد، هر کس که قدرت دارد باید از او دفع ستم کند؛ و این خود نوعی نهی از منکر است. چنانچه در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «من سمع منادی ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛ یعنی، اگر کسی شنید که شخصی مسلمانان را به کمک می طلبد، ولی وی پاسخ او را ندهد، مسلمان نخواهد بود.» به همین دلیل است که هر انسانی حق دارد در قبال ستمی که به او وارد شده، از دیگران، خصوصاً دولت که قدرتی برتر است، دادجویی و تظلم کند. به

۵- دیدگاه حقوق اساسی ما

«برفورداری از تأمین اجتماعی از نظر

بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و راقبت های پزشکی، به صورت بیمه و غیره، حق است همگانی...» یعنی عموم مردم و حتی خارجیانی که در کشور ما زندگی می کنند، به صرف شهروندی حق دارند از این حقوق برفوردار باشند.

پزشکی، به صورت بیمه و غیره، حق است همگانی...» یعنی عموم مردم و حتی خارجیانی که در کشور ما زندگی می کنند، به صرف شهروندی حق دارند از این حقوق برخوردار باشند و «دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

۷- حق برخورداری از آموزش رایگان

چون آموزش و پرورش نقش مهمی در تکامل معنوی و مادی انسان و نیز کشور دارد، اهتمام خاصی به آن شده است. بر اساس اصل سی ام: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...».

بمنظر می رسد این حق، خاص شهروندان تابع ایران بوده باشد؛ چرا که از واژه «همه ملت» که شامل اتباع ایرانی می شود، استفاده شده است؛ پس وظیفه دولت در این زمینه به خارجیانی تعلق نمی گیرد.

گذشته از این، دولت موظف است: «وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد

۵- حق اشتغال و کار کردن

اصولاً کار، جوهره انسان است و هر شخصی که قدرت کار کردن را پیدا می کند، باید قادر باشد در شغلی که مایل است و صلاحیت آن را دارد، اشتغال ورزد؛ به همین دلیل است که در اصل بیست و هفتم ذکر شده است: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.» بدین ترتیب، در جامعه ای که قسط و عدل در آن حاکم باشد، باید هر کسی به میزان فراخور قادر باشد در شغلی که مناسب او باشد، شاغل شود و اصولاً بیکار ماندن و نبودن فرصت های کاری، بر خلاف اصل یاد شده می باشد.

۶- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه

از دیدگاه حقوق اساسی ما «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های



این دلیل، اصل سی و چهارم اشاره دارد، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید.» بنابراین، از وظایف حکومت است که برای رجوع مردم ستم دیده، دادگاههای صالح را در تمام نقاط کشور ایجاد کند تا مردم با مراجعه به آنها، استیفای حق کنند. از این نظر، «همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند...» و حتی «هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

در این زمینه، همه شهر و ندان، حتی خارجیان نیز حقوق متساوی با ایرانیان دارند.

۲- حق انتخاب وکیل

مردم می توانند شخصاً برای دادخواهی، به دادگاهها مراجعه کنند؛ ولی در عین حال، از آنجا که امر دادرسی موضوعی علمی است، هر یک از اصحاب دعوا «حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند» و اقدام وکیل به منزله اقدام خود آنان است و هیچ کس و هیچ مقامی حق ندارد مردم را از انتخاب وکیل مناسب منع کند و حتی دولت مکلف است اگر مردم «توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» و در قوانین دادرسی کیفری در پاره‌ای از موارد مثل جرایمی که مجازات آنها اعدام یا قصاص است، برای متهم، وکیل تسخیری تعیین می نمایند و دستمزداوراهم از بودجه دولت پرداخت می کنند، و در تشکیلات کانون وکلای دادگستری نیز مواردی پیش بینی شده که مردم بتوانند از خدمات رایگان وکلای دادگستری استفاده کنند، که به این نوع وکالت، «وکالت معاضدتی» گفته می شود.

۱۱- حق آزاد بودن

انسان نه تنها آزادی معنوی دارد، بلکه آزادی مادی، یعنی به میل خویش زندگی کردن را نیز دارد. طبق اصل سی و دوم:

«هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و تریبی که قانون معین می کند...» بنابراین، زندانی نمودن موقت یا دائم افراد، خلاف قانون است و چنانچه فردی متهم به ارتکاب جرمی شود، مقام قضایی صالح یا پلیس حق دارد او را احضار کرده و در صورت این که بیم فرار وی رود، او را موقتاً بازداشت کند و در این صورت هم «موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتاباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال» شود و مقام قضایی نیز مکلف است مقدمات محاکمه را در اسرع وقت فراهم کند. پس زندانی کردن افراد بی گناه بدون اینکه مدارکی راجع به مجرمیت آنها وجود داشته باشد، یا مواردی که قانون مجاز دانسته، جرم بوده و طبق قانون، فرد مرتکب در هر مقامی که باشد، مجازات خواهد شد.

نه تنها زندانی کردن، بلکه مجازات مجرم نیز باید به حکم قانون و به دست دادگاه صالح باشد. بنابراین، جز مقام قضایی شایسته که قانون او را بدین سمت گمارده، هیچ کس حق

۱۲- حق بی گناهی

اصل بر این است که هیچ کس مرتکب گناه و جرم نشده است؛ پس، از دیدگاه حقوق اساسی ایران: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.» این اصل که در همه قوانین موضوعه سیستم های حقوقی دنیا پذیرفته شده، مبتنی بر فطرت پاک انسانی است. بنابراین، همه مردم پاک و بی گناه فرض می شوند تا خلافش، آن هم در نزد قاضی صالح ثابت شود. پس متهم کردن افراد بدون اینکه جرمی برای آنها ثابت شده باشد، عملی خلاف قانون می باشد و قابل پیگیری است.

۱۳- احترام، آبرو و حیثیت شهر و ندان

هرگونه هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است؛ زیرا مجازات هر مجرم فقط باید به میزانی که قانون مقرر کرده، انجام

مردم می توانند شفافاً

برای دادخواهی، به دادگاهها مراجعه کنند؛

ولی در عین حال، از آنها که امر دادرسی

موضوعی علمی است، هر یک از اصحاب دعوا

«حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند» و

اقدام وکیل به منزله اقدام خود آنان است و

هیچ کس و هیچ مقامی حق ندارد مردم را از

انتخاب وکیل مناسب منع کند و حتی دولت

مکلف است اگر مردم «توانایی انتخاب وکیل

را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات

تعیین وکیل فراهم گردد.»



شده و با رأی ملت مجری خواهد بود.

۱۶- حق شکایت از دولت

دولت و حکومت، طبیعتاً از قدرتی مافوق اشخاص عادی برخوردار است و همین امر باعث می‌شود تا چنانچه نظارت کافی بر کار او نباشد، حقوق شهر و ندان را پایمال کند. بنابراین، یکی از وظایف دولت‌ها، احقاق حقوق ملت در مواردی است که از طرف خود دولت به وی تعدی شده است. در حقوق اساسی ما «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند...» (مفاد اصل ۹۰).

علاوه بر این، مطابق اصل یکصد و هفتاد و یکم، چنانچه تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای یا تصمیمات دولت یا مأمورین دولتی، مخالف قانون و حقوق مردم باشد، هرکس حق دارد ابطال این اعمال را از دیوان عدالت اداری که نهادی قضایی و تحت نظر قوه قضاییه است، مطالبه کند. بدین ترتیب، از تجاوز حکومت به حقوق مردم جلوگیری خواهد شد.

کشور دیگری درآید، که در این صورت و به درخواست وی، دولت می‌تواند از وی سلب تابعیت کند. اهمیت این موضوع به حدی است که اگر شخص خارجی هم به تابعیت ایران درآید که اصطلاحاً به آن "تابعیت اکتسابی" می‌گویند، باز هم دولت حق سلب تابعیت او را ندارد.

۱۵- حق مالکیت

مالکیت از بدیهی‌ترین حقوق انسانی است؛ چنان که حتی بچه‌ای خردسال نیز آن را حس کرده و خویشتن را مالک اشیای خود می‌داند. از آنجایی که دین مبین اسلام مالکیت مشروع را محترم شمرده و در حدیث نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است: «حرمة مال المؤمن کحرمة دمه»، احترام مال مؤمن، مثل احترام خودش است. در اصل چهل و ششم نیز ذکر شده: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» و طبق اصل چهل و هفتم: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است، ضوابط آن را قانون معین می‌کند.»

البته ضوابط و قیودی برای رعایت بهتر این قواعد وجود دارد که در قوانین عادی پیش‌بینی

گیرد و تعدی از آن و هتک حرمت او، چیزی فراتر از مجازات خواهد بود که قانوناً مجاز نیست؛ همان‌طور که در حدیث نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز آمده است: «حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است.»

پس اگر هر مقامی نسبت به افراد شهر وند جامعه، ولو مجرم نیز باشد، هتک حرمت و حیثیت نماید، متخلف بوده و قابل مجازات است.

۱۴- حق تابعیت ایران

هر ایرانی حق دارد به تابعیت ایرانی خود باقی بماند و قانون اساسی مادر اصل چهل و یکم، این را حق مسلم هر ایرانی دانسته. پس دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند؛ در حالی که در قانون اساسی مشروطه و نیز پاره‌ای از کشورها، دولت حق دارد به عنوان مجازات، از تبعه خودش سلب تابعیت موقت یا دائم نماید؛ ولی از دیدگاه حقوق اساسی ما، سلب تابعیت ولو به حکم دادگاه یا هر مقام دیگر، امکان‌پذیر است؛ اما چون این موضوع یک "حق" است، هر ایرانی صاحب حق، می‌تواند از این حق خود صرف‌نظر کرده و به تابعیت

نتیجه:

مجموع بحث‌هایی که مطرح شد، نشانگر این است که آزادی‌ها و حقوق شهروندان از مقولات مهم حقوقی است، که در حقوق اساسی کشورهای دموکراتیک و مردم‌سالار ذکر شده است و در قانون اساسی ما نیز به این بحث مهم مبسوطاً پرداخته شده. آنچه در این مقاله ذکر گردید، بر اساس مبانی مندرج در قانون اساسی تدوین شده و بررسی این مقوله در حقوق عادی، مجال دیگری می‌طلبد که در آینده باید صورت گیرد.

